

ارکان جرائم تجاوز به اراضی ملی در پرتو آموزه‌های جرم‌شناسی حقوقی^۱

سید رضا سجودی

دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

علی حسین نجفی ابرندآبادی*

استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

محسن شکرچی زاده

استادیار دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۳۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۱۲/۶)

چکیده

سیاست‌گذاری در برابر تجاوز به اراضی ملی در ایران اغلب به شکل قانونگذاری متبلور شده است. جرائم این حوزه مانند سایر جرائم شامل ارکان قانونی، مادی و روانی‌اند. ارزیابی علمی ساختار موصوف، از وجود ایرادات و برداشت‌های متفاوت حقوقی و قضایی و در نتیجه، تشدید حمله به اراضی ملی حکایت می‌کند. همچنین، رویکرد سنتی و همسان انگاشتن جرائم موصوف که بقای همه موجودات زنده و پایداری اکوسیستمی را تهدید می‌کنند، با دیگر جرائم عادی که میزان معینی از ثبات اجتماعی را متزلزل می‌کنند، از حیث بی‌توجهی به تنوع و اجزای رکن مادی و انطباق با اجزای رکن روانی، مزید بر معضلات موجود است. از این رو، چگونگی جرم‌انگاری جرائم تعرض به اراضی مزبور که بر واقعیات جرم‌شناختی منطبق بوده و شرایط فعلی و انسداد مجاری سوءاستفاده و تجاوز را اصلاح کند، محل تأمل است. با این اوصاف، اتخاذ سیاست کیفری تقنینی افتراقی و مدرن، توسعه متوازن و ضروری جرم‌انگاری‌ها و کیفی‌سازی آنها در همه ابعاد (رفع اشکالات رکن قانونی و تبیین و تطابق هوشمندانه اجزای ارکان مادی و روانی با یکدیگر با لحاظ ماهیت جرائم) و سرانجام طبقه‌بندی جرائم این حوزه براساس آموزه‌های جرم‌شناسی حقوقی ضرورت دارد. در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر آموزه‌های جرم‌شناسی حقوقی، مشکلات مرتبط با ارکان جرائم علیه اراضی ملی بررسی و برای روزآمد کردن و کارایی هرچه بیشتر آنها و رفع آسیب‌های این بخش از سیاست کیفری، پیشنهادهایی مطرح شده است.

واژگان کلیدی

ارکان جرم، تجاوز به اراضی ملی، جرم‌شناسی حقوقی، سیاست کیفری، قانونگذاری.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری آقای سیدرضا سجودی با عنوان «سیاست کیفری ایران در برابر تجاوز به اراضی ملی» با راهنمایی آقای دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی در دانشگاه آزاد اسلامی (واحد نجف‌آباد) است.

* a_najafi@sbu.ac.ir



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

بشر قرن‌ها به‌صورت سنتی و همچون دیگر موجودات کره‌خاکی بدون تأثیر جدی بر اراضی ملی^۱، به‌عنوان یکی از ارکان تجدیدشونده منابع طبیعی، از آنها بهره‌برداری کرد. در حالت عادی و بدون تأثیر مشکلات خارج از چرخه متعارف اکوسیستم‌ها، طبیعت می‌تواند به‌آسانی خود را بازسازی کند. مشکلات جدی از وقتی آغاز شد که در نتیجه انقلاب صنعتی و به‌طور فزاینده و ملموس‌تر پس از جنگ جهانی دوم، استفاده از اراضی ملی از وضع جاری، خارج شد و تهاجم به بنیان موهبت‌های مزبور به‌صورت نظام‌مند و مخرب، استمرار یافت. از این مرحله به بعد حفاظت قانونی از اراضی ملی در دستور کار سیاستگذاران و به‌طور مشخص قانونگذاران قرار گرفت.

نظام حفاظت قانونی از اراضی ملی در قالب برنامه کلی حفاظت از محیط زیست از سال ۱۹۷۰م آغاز شد. قوانین تصویب‌شده ابتدا جنبه مدنی و اداری داشتند و هدف آنها جبران خسارت وارده و کنترل اولیه به منظور پیشگیری از آسیب بیشتر بود. اما با افزایش تعرضات بدان‌ها و احساس خطر جوامع از این نظر و گسترش ایده «بدبینی اکولوژیکی»^۲ توسل به ظرفیت‌های حقوق کیفری ضرورت یافت و خیلی زود، قانونگذاران به این جهت متمایل شدند (Vercher Noguera, 2002: 2). حوزه جدید حقوق کیفری ملهم از مطالعات و نتایج تحقیقات جرم‌شناسی و آموزه‌های حقوق بشری راهبرد مجزایی را نسبت به حقوق کیفری کلاسیک تعریف کرد؛ در این خصوص، عقاید جرم‌شناسان انتقادی و توسعه انتظارات به حفظ حقوق نسل‌های آتی علاوه بر نسل فعلی موجودات و حق به محیط زیست سالم در قالب رویکرد نسل سوم حقوق بشر، تأثیر بسزایی داشتند. این تحولات و همچنین تأثیرات ناشی از بین‌المللی شدن حقوق کیفری، ذهن کنشگران و قانونگذاران ایرانی را در این عرصه به همان ترتیب به خود مشغول کرد؛ به‌طوری‌که ابتدا با حمایت مدنی و اداری از اراضی ملی در قالب تصویب‌نامه راجع به جنگل‌ها مصوب ۱۳۰۳ هیأت وزیران و مصوبات دیگر از این سنخ، نمود یافت و به‌سرعت با تصویب قانون مرتکبان قاچاق مصوب ۱۳۱۲ و قانون راجع به جنگل‌ها مصوب ۱۳۲۱ مجلس شورای ملی، ابعاد حمایت کیفری از آنها نیز متجلی شد و این فرایند با توجه به تأکید اصول ۴۵ و ۵۰ قانون اساسی تا به امروز ادامه یافته است، به‌طوری‌که می‌توان ادعا کرد سیاستگذاری کیفری در ایران در قلمرو جرائم ارتكابی علیه اراضی ملی غالباً به‌صورت قانونگذاری به منصفه ظهور رسیده که البته از جهات مختلف دارای ایراد و محل انتقاد است. بخشی از این ایرادات به کم و کیف جرم‌انگاری‌ها از حیث ارکان متشکله جرائم مذکور برمی‌گردد. به‌عبارت روشن‌تر، با وجود سابقه مذکور و پیشرفت‌های شایان توجه، همچنان چگونگی حفاظت از اراضی ملی مخصوصاً در بخش رفع اشکالات مربوط به ارکان جرائم این حوزه، محل سؤال و چالش جدی کنشگران نظام عدالت کیفری، به‌ویژه قانونگذاران است. بی‌شک شناسایی و

۱. با الهام از مبانی فقهی و حقوقی در یک تعریف کلی می‌توان گفت اراضی ملی، زمین‌های تحت اختیار حکومت اسلامی و جزئی از انفال محسوب می‌شوند که بالذات یا بالعرض و به موجب قانون بخشی از ثروت‌های همه مردم و غیرقابل تملک یا اختصاص به‌صورت خصوصی‌اند.

اعمال اصلاحات مورد نیاز و روزآمد کردن قوانین توأم با به‌کارگیری فنون و تدابیر مدرن حمایت کیفری، بازیگران این عرصه را در حل معمای این تعرضات، بهتر یاری خواهند کرد. وظیفه این مهم را جرم‌شناسی حقوقی بر عهده گرفته است؛ زیرا جرم‌شناسی حقوقی از یک طرف به مطالعه کارایی و کارآمدی علمی راهبردهای سیاست کیفری خاصه حقوق کیفری و از جمله جرم‌انگاری‌ها می‌پردازد و از طرف دیگر اصلاحاتی را که برای رفع کاستی‌ها و روزآمد کردن آنها ضروری تشخیص دهد، پیشنهاد می‌کند (ر.ک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۹۲۰-۹۱۹). بدین ترتیب جرم‌شناسی حقوقی از یک سو کارنامه سیاست کیفری تقنینی و از سوی دیگر مشروعیت علمی آن را با سرلوحه قرار دادن اصل عدالت براساس نظریه‌ها و یافته‌های جرم‌شناسی ارزیابی و نقد می‌کند و به مناسبت و فراخور حال اصلاحات لازم را در مورد تمام اجزای آن از جمله ساختار جرائم با لحاظ موازین حقوق بشر پیشنهاد می‌کند.

این مقاله با تمرکز بر ساختار حقوقی جرائم تجاوز علیه اراضی ملی، در پی شناسایی و اعتبارسنجی آنها از منظر جرم‌شناسی حقوقی است. به‌عبارت دیگر به‌دنبال یافتن پاسخ این پرسش اصلی است که محتوای قانونگذاری حقوق کیفری مدرن در بخش ارکان متشکله جرائم، تا چه حد منطبق بر واقعیات جرم‌شناختی تجاوز به اراضی ملی است؟ تا از رهگذر پاسخ به آن، ابهامات، نقایص، تعارضات و به‌طور کلی ایراداتی که ضرورت انجام اصلاحات در قوانین و مقررات مربوطه را ایجاد می‌کنند، شناسایی شوند و بدین ترتیب کمیت و کیفیت تحقق اهداف سیاست کیفری در ساختار جرم‌انگاری‌ها مشخص شود. به همین منظور، به تفکیک ارکان قانونی، مادی و روانی جرائم علیه اراضی ملی با شیوه و رویکرد موصوف، در سه بخش بررسی و در خلال تحلیل هر یک از آنها وصول به هدف مذکور تعقیب می‌شود.

۱. رکن قانونی

رکن قانونی متضمن قاعده‌ای از قواعد کیفری یا همان دستور قانونگذار به ادای تکلیف معین یا نهی از انجام دادن فعلی است که مخل نظم اجتماعی تشخیص داده شده است (اردبیلی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۸۵). ناگفته پیداست که هدف‌گذاری، محتوا، مفاد و پیام قانون جرم‌انگار در حوزه اراضی ملی به‌عنوان یکی از زیرساخت‌های اصلی محیط زیست، نه‌تنها کنترل اجتماعی، بلکه باید معطوف به بقای نظم اکوسیستم‌ها باشد. این بخش از ساختار جرم‌انگاری تجاوز به اراضی مذکور ریشه در مبانی جرم‌شناختی و حقوق بشری دارد.

دسته‌ای از جرم‌شناسان با استفاده از مفاهیم عدالت زیست‌محیطی و عدالت اکولوژیکی^۱، بر این باورند که آسیب به اراضی ملی می‌تواند هر صدمه و ضرری باشد که در حال یا آینده، بالقوه یا

۱. عدالت زیست‌محیطی و عدالت اکولوژیکی به سامان‌بخشی اجتماعی عادلانه و پایدار بهره‌برداری از منابع طبیعی با تمرکز بر سلامتی بیوسفر (همه مخلوقات) و ارتقای سطح کیفی محیط زیست سیاره زمین اهمیت می‌دهند و در مجموع به‌دنبال بقای کل عالم طبیعت هستند (ر.ک: گرجی‌فرد، ۱۳۹۵: ۱۱۸-۱۱۵).

بالفعل به ارزش‌های شناسایی‌شده در تعابیر مذکور وارد آید، اعم از اینکه در قانون جرم‌انگاری شده یا نشده باشد (Pink & white, 2016:4)، اما وجه دیگر مفهوم عدالت، اقتضای متفاوتی دارد و آن، اینکه فعل یا ترک فعل آدمی هر اندازه زشت و نکوهیده و برای نظام اجتماعی زیان‌بخش باشد، تا زمانی که قانونگذار آن را به‌عنوان جرم نشناسد و ضمانت اجرایی برای آن قرار ندهد، مباح خواهد بود (اردبیلی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۸۰). امروزه غالب جرم‌شناسان از دیدگاه سنتی فوق دوری جسته و بر این باورند که در صورت جرم‌انگاری آسیب‌ها به اراضی ملی، این یقین وجود خواهد داشت که بزه‌کار مورد مطالعه، رفتار خویش را به‌عنوان یک جرم تجاوزکارانه علیه اراضی مذکور، احساس، درک و تجربه کرده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۹۲۲). همچنین رویکرد حقوق بشر محوری با طرد دیدگاه انسان‌محوری^۱ و بی‌میلی به آموزه‌های دیدگاه زیست‌محوری^۲، نسبت به کلیات عقیده بوم‌محوری^۳ متمایل است و تأکید دارد دنیای مادی بسان مجموعه‌ای از اعضای زنده و غیرزنده، متشکل و بهم‌پیوسته است و هرچند انسان به‌عنوان جزئی از کل در عین احترام به کرامت اجزای دیگر از حق استفاده از منابع طبیعی برای استمرار حیات فردی و اجتماعی در حدود معین و بهره‌مندی از محیط زیست سالم برخوردار است، اما حق تجاوز و زایل کردن میراث آیندگان را ندارد (ر.ک: فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۵: ۱۱۷). حقوق موصوف تحت عنوان حقوق نسل سوم حقوق بشر مطرح است و بر جمعی بودن منافع انسان و غیر انسان و جلوه‌گری آنها در قوانین ملی تأکید می‌کنند.

۲.۱. جلوه‌های قانونی جرائم تجاوز به اراضی ملی

یکی از ویژگی‌های اصل قانون‌مندی، صریح و منجز بودن مفاد قوانین کیفری و در دسترس بودن کامل آنها تحت مجموعه‌ای مشخص است. در واقع اشخاص باید بدانند که در صورت ارتکاب جرم، چه سرنوشت کیفری در انتظار آنهاست (ر.ک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۴-۱۳). در خصوص جرائم تجاوز به اراضی ملی نه‌فقط در ایران، بلکه در غالب کشورهای دنیا منابع تقنینی حقوق کیفری پراکنده و متشتت هستند. کدی به نام قوانین کیفری راجع به اراضی ملی و خط محور اصلی که این قوانین را به هم ربط دهند، وجود ندارد. شاید بتوان از قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع (مصوب ۱۳۴۶/۵/۲۵) به‌عنوان اولین و آخرین قانون که با احصای بخشی از جرائم و مجازات‌ها، به‌صورت منسجم فصلی را به آنها اختصاص داده، یاد کرد. در این قانون عناوین متعدد مجرمانه‌ای

۱. رویکرد انسان‌محوری بر برتری‌های ذهنی، اخلاقی و زیست‌شناختی انسان نسبت به سایر موجودات تأکید می‌کند و انسان را مجاز به هر گونه تجاوز و بهره‌مندی از منابع طبیعی می‌داند (ر.ک: گرجی فرد، ۱۳۹۵: ۴۹).

۲. رویکرد زیست‌محوری، انسان را مانند دیگر گونه‌های اکوسیستم می‌داند که هیچ برتری نسبت به آنها ندارد. از این رو او را مجاز به بهره‌برداری بیش از سهم خود از منابع طبیعی نمی‌داند (ر.ک: گرجی فرد، ۱۳۹۵: ۵۳).

۳. رویکرد بوم‌محوری بر این نظریه استوار است که بشر جزئی از اکوسیستم و حق بهره‌مندی از منابع طبیعی را دارد. اما این حق به معنای تجاوز از محدودیت‌های زیست‌کره‌ای سیاره زمین نیست. این تفکر به‌دنبال به حداقل رساندن تجاوزهاست (ر.ک: گرجی فرد، ۱۳۹۵: ۵۵-۵۶).

در قالب مواد ۴۲ تا ۵۵ با حدود و شرایط مقرر به‌عنوان جرم شناخته شده‌اند.^۱ پرواضح است که این مقررات با لحاظ جمیع جهات مبنایی پیش‌گفته، تدوین نشده و شامل همهٔ مصادیق و موضوعات تجاوز به اراضی ملی نمی‌شوند، اما در نوع خود بی‌نظیرند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مواد ۴۴ مکرر، ۵۵ و ۵۶ (که مادهٔ اخیر هرچند ماهیت کیفری ندارد اما می‌تواند منصرف به وجه خاصی از تجاوز به اراضی ملی باشد) از سوی شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام مشمول تفسیر یا دچار تغییرات و بعضاً صراحتاً نسخ شده‌اند و یا به موجب تصویب قوانین دیگر سرنوشت مشابهی یافته‌اند.^۲

قانون دیگر، قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵) است که به تکرار چند عنوان مجرمانه از مصادیق تجاوز به اراضی ملی پرداخته و اعمال اصلاحات آن نسبت به قانون سابق‌الذکر، تنها به تغییر ضمانت اجراها محدود شده و شامل نوآوری ویژه‌ای نیست. در خصوص ضمانت اجراها نیز نظر به کاهش میزان کیفر بوده است، به‌طوری‌که میزان حبس در مواد ۶۷۵ (ایجاد حریق عمدی در جنگل) و ۶۹۰ (تصرف عدوانی) در مقایسه با میزان کیفر مذکور به شرح مقرر در مواد ۴۷ و ۵۵ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع به‌طور محسوسی کاهش یافته است. علاوه‌بر مواد مذکور، مادهٔ ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی در برخی موارد مانند آنچه در تبصرهٔ آن آمده می‌تواند از مصادیق تجاوز به اراضی ملی تلقی شود و غیر از این چند ماده، مادهٔ دیگری در قانون مرقوم، به‌عنوان رکن قانونی تجاوز به اراضی ملی یافت نمی‌شود. شاید به همین دلیل بوده که ادارهٔ حقوقی قوهٔ قضاییه در نظریهٔ شمارهٔ ۷/۹۰۰۳ مورخ ۱۳۷۷/۷/۱۰ تصریح داشته: «... طبق مادهٔ ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی... اقدام به هر گونه تجاوز... در مورد جنگل‌ها و مراتع ملی شده، قابل تعقیب کیفری است...» (مجموعهٔ تنقیح‌شده قوانین و مقررات کیفری کاربردی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۲۰۰). به‌نظر می‌رسد در قالب این نظریه تلاش شده هر جا نص صریحی دال بر تجاوز به اراضی موصوف یافت نشد، به استفاده از مادهٔ ۶۹۰ سوق داده شود^۳، حال آنکه این دیدگاه از جهتی با توجه‌های جرم‌شناسی مذکور در خصوص اصل قانونی بودن جرم تعارض دارد و از جهت دیگر اصل کیفی بودن قوانین کیفری را که مقتضی صراحت، دقت، تنجیز و قابلیت درک و دسترسی برای تابعان حقوق کیفری است، به چالش می‌کشانند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۴-۱۳). نکتهٔ حائز اهمیت دیگر اینکه، مطابق مادهٔ ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)، مادهٔ ۶۹۰ قانون مزبور (در بخش تعزیرات) قابل گذشت اعلام شده است. البته این نوع قانونگذاری سابقه دارد و در مادهٔ ۵۹ قانون حفاظت و بهره‌برداری و جنگل‌ها و مراتع نیز چنین مجوزی به رئیس سازمان جنگل‌بانی یا نمایندگان او در مواردی اعطا شده است. اما پرواضح است که اراضی ملی، بخشی از اموال

۱. برای مطالعهٔ مصادیق مجرمانه: ر.ک: مجموعهٔ تنقیح‌شده قوانین و مقررات کیفری کاربردی، چ اول، تهران، ۱۳۹۶، ج ۵: ۲۱۴-۲۰۹.

۲. برای مطالعهٔ بیشتر: ر.ک: آقاجانلو، ۱۳۹۴: ۶۷-۷۵.

۳. ر.ک: دیدگاه اقلیت قضات که چراندن و تعلیف مراتع بدون پروانه و مزاد بر پروانه به‌وسیلهٔ دام غیر از بز را جرم ندانسته‌اند و بدین ترتیب از نظریهٔ فوق تبعیت نکرده‌اند (مجموعه نشست‌های قضایی، مسائل قانون مجازات اسلامی، ج ۳: ۵۷).

عمومی‌اند، و نباید در زمره حقوق الناس تلقی و قابل گذشت فرض شوند یا پیگرد کیفری تجاوز به آنها موکول به طرح شکایت از سوی شاکی خصوصی شود.^۱

علاوه بر موارد مذکور که اغلب بر شقوق مختلف تجاوز به اراضی مشهور ملی یعنی جنگل‌ها و مراتع، متمرکز هستند، در قوانین و مقررات دیگر به صورت جزئی و گاهی در مورد سایر اراضی غیرمشهور ملی، مصوبات کیفری وجود دارند. این ضوابط معمولاً بر موارد خاص دلالت دارند. برخی از این قوانین مجری عبارت‌اند از: ماده ۱۱ قانون اراضی مستحدث و ساحلی (مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۹)، مواد ۱۶، ۱۷ و ۱۸ قانون مدیریت پسماند (مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۰)، مواد مرتبط با قانون مبارزه با قاچاق کالا ارز (مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳)، تبصره ۲ ماده ۴۷ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷) و

در بعضی موارد هم شاهد اصل آیین‌نامه‌ای بودن کیفر هستیم که از جمله می‌توان به تجدید نظر در میزان جزای نقدی مندرج در مواد ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۶ و ۵۰ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع اشاره کرد که آخرین اصلاحیه آن تحت شماره ۱۰۴۹۹۳/ت/۵۴۴۷۵ هـ مورخ ۱۳۹۶/۸/۲۳ معاون اول رئیس‌جمهور ابلاغ شده است. توالی فاسد مترتب بر این ضابطه‌گذاری که امروزه وفق ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) انجام می‌گیرد، بر اهل فن پوشیده نیست، خاصه اینکه به نحو عریانی با اصل قانون‌مندی مغایرت دارد. جالب آنکه در بند «ث» اصلاحیه مذکور، دولت میزان محاسبه جزای نقدی را به وزارت جهاد کشاورزی واگذار کرده است. حال چگونه می‌توان انتظار داشت با این حجم مقررات و پراکندگی آنها، مردم قدرت رؤیت، درک و دسترسی به همه آنها را (درحالی که حتی برای جامعه حقوقی هم گاهی دشوار است) داشته باشند؟ بدین ترتیب مبانی و چرایی اعمال اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها مخدوش می‌شوند.

۳.۱. مشکلات رکن قانونی

با عنایت به آنچه ذکر شد، در این مرحله وضعیت رکن قانونی تجاوز به اراضی ملی با لحاظ قوانین فوق‌الاشعار، از حیث خلأها، نقایص، ابهامات و تعارضات، به تفکیک دسته‌بندی می‌شوند.

۳.۱.۱. خلأها و نقایص

بی‌تردید تحقق اهداف سودجویانه اشخاص در تجاوز به اراضی ملی، آنها را به سمت اتخاذ روش‌ها و شیوه‌های جدید می‌کشاند. گاهی این تعرضات وجهی فراملی هم پیدا می‌کند (Wyatt: see: 2015:42). نشانه‌هایی از این نوع تهاجم به اراضی ملی مشاهده شده است؛ از جمله اخباری که از

۱. شعبه ۷ دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۱۳۰-۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۲/۲۴ رسیدگی به اتهام تصرف عدوانی اراضی ملی را منوط به شکایت اداره منابع طبیعی به‌عنوان شاکی خصوصی دانسته و با همین ایراد تقاضای اعاده دادرسی از دادنامه شماره ۹۱-۱۱۶۶ مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۵ شعبه هفتم دادگاه تجدیدنظر استان گیلان را پذیرفته است (مجموعه آرای قضایی؛ شعب دیوان عالی کشور (کیفری ۱۳۹۲)، ۱۳۹۴: ۱۳۴۸).

گوشه و کنار راجع به انتقال مخفیانه خاک بارور به برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس به گوش می‌رسد (ر.ک: رگنا، ۱۳۹۶/۱/۱۸). ریشه‌کن کردن گیاهان دارویی در برخی استان‌ها مانند مناطقی از استان کهگیلویه و بویراحمد نیز از همین گزارش‌هاست (ایلنا: ۱۳۹۶/۱۲/۲۳). برخی اندیشمندان این دست‌درازی‌ها را در قالب بزه سرقت منابع موصوف مقتضی جرم‌انگاری مجزا دانسته‌اند (Robinson, Introduction: 2010)، اما چنین ایده‌ای از سوی قانونگذار، عملیاتی نشده است. شاید در این موارد، مقنن استفاده از همان عناوین کلی مجرمانه به شرح مندرج در مواد ۴۲ و ۴۳ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع را کافی دانسته است، اما پرواضح است در این موارد نیاز به جرم‌انگاری مشخص و صریح است.

بعضی مواقع قانونگذار نسبت به ایجاد زیرساخت‌های حقوقی با لحاظ مسائل جدید مبتلی‌به اقدام کرده، اما تنها به ذکر آسیب‌زا بودن تجاوز اشاره داشته و با وجود تأثیر منفی ناشی از آن، از جرم‌انگاری خودداری کرده است (White, 2008:14). برای مثال در بندهای ۵ و ۱۳ ماده ۱ قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۸/۵/۷) عبارات موجود زنده و ایمنی زیستی تعریف شده‌اند. حال اگر وجهی از تجاوز به اراضی ملی، نسبت به درختان، گیاهان مرتعی و غیرمرتعی استراتژیک، پوشش گیاهی در حال انقراض و مانند آنها صورت پذیرد، ضمانت اجرای کیفری مشخص نشده است.^۱ نمونه دیگر از نقایص قانونی را می‌توان در ماده ۴۵ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع پیرامون منع آتش زدن نباتات در مزارع داخل یا مجاور جنگل و بی‌مبالاتی و در نتیجه حریق جنگل، یافت که هرچند بخشی از نقیصه به موجب ماده ۲۰ قانون هوای پاک (مصوب ۱۳۹۶/۴/۲۵) و در یک قانونگذاری جدا (که خود حکایت بر وجهی از تشتت جرم‌انگاری در این عرصه دارد) برطرف شد، اما همچنان منع روشن کردن آتش صرف در اراضی ملی جرم‌انگاری نشده، حال آنکه نفس ایجاد حریق، بالقوه استعداد انتشار دارد و تاکنون فجایع زیادی از این نظر به‌بار آمده است.

مثال‌های دیگری هم از حیث نقض قوانین وجود دارند؛ مانند عدم جرم‌انگاری بریدن و ریشه‌کن کردن درختچه‌های کوهستانی در ماده ۴۳، وضعیت مشابه در مورد چرای دام یا کشت و زرع دیم در ماده ۴۳ مکرر، عدم ذکر «بزغاله» و «بلا تکلیف ماندن دیگر احشام از نظر چرا در ماده ۴۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع^۲ و ... با این اوصاف مشخص می‌شود بسیاری از رفتارهای

۱. در خصوص شکایت اداره منابع طبیعی از فردی که مرتکب قطع درختانی با خصوصیات موصوف شده بوده، سه نوع نظر قضایی ابراز شده است. برخی آن را جرم ندانسته‌اند. عده‌ای در صورت وجود سوء نیت جرم دانسته‌اند. و دسته سوم بین قطع درختان جنگلی واقع در محوطه خانه‌های روستایی با فضایی شهری قائل به تفکیک شده و حسب مورد مقررات ماده ۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع یا لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها را حاکم دانسته‌اند (ر.ک: اختلاف نظرهای قضایی در مسائل قانون مجازات اسلامی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۴۰۲).

۲. با غیرشرعی اعلام شدن بخشی از ماده ۴۴ مکرر قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، طبق نظریه شماره ۸۶۵۷ مورخ ۱۳۶۶/۶/۱۴ شورای نگهبان که البته منصرف به منع ضبط و فروش دام افراد توسط وزارت منابع طبیعی وقت بود، قانونگذار به موجب تبصره ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، چرای دام در مراتع بدون پروانه‌ی چرا و یا ملازاد بر ظرفیت تعیین شده در پروانه را جرم محسوب کرد و معادل بیست درصد ارزش متوسط واحد دامی در سال را برای این جرم، مجازات تعیین نمود.

آسیب‌زا به اراضی ملی از شمول چتر حمایتی حقوق کیفری بازمانده‌اند و به‌عبارت روشن‌تر جرم‌انگاری‌ها در این حوزه جامع و منجز نیستند.

۱.۲.۳. ابهامات

گاهی مشکلات رکن قانونی جرائم تجاوز به اراضی ملی، ناشی از ابهامات یا برداشت‌های مختلف از یک مقررۀ قانونی به لحاظ سیاق قانونگذاری است که آثار متفاوتی به دنبال دارد. با ذکر مثال‌هایی به تبیین این معضل پرداخته می‌شود. در تبصرۀ ماده ۴۹ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مقرر شده: «سازمان جنگل‌بانی مجاز خواهد بود که کوره‌های زغال بدون پروانه مذکور در این ماده را خراب کند.» با توجه به صراحت عبارت قانون که سازمان جنگل‌ها را مجاز به تخریب کوره‌های بدون پروانه می‌داند، عده‌ای معتقدند این کار نیاز به مجوز قضایی ندارد. در مقابل عده‌ای از باب احتیاط و با لحاظ سرنوشت ماده ۴۴ مکرر، این اعمال اختیار را منوط به اخذ مجوز قضایی از مقامات دادسرا می‌دانند. از آنجا که شاهد تعقیب انتظامی برخی قضات دادسرا به واسطه صدور چنین دستوراتی هستیم، معلوم می‌شود عقیده سومی وجود دارد که تخریب کوره‌های مزبور را موکول به صدور حکم قطعی لازم‌الاجرا از سوی محکمۀ ذی‌صلاح می‌کند.

امروزه با عناوین جدیدی مثل کوه‌خواری، صخره‌خواری، ساحل‌خواری، جنگل‌خواری، زمین‌خواری و... روبه‌رو هستیم. چون قانونگذار چنین عناوینی را به صراحت جرم‌انگاری نکرده، حقوقدانان و نویسندگان را بر آن داشته تا روش‌های مختلف تجاوز به اراضی ملی را از طریق رفتارهای مورد اشاره شناسایی کنند.^۱ بی‌تردید استدلال‌های صورت‌پذیرفته، تنها اگر مضیق یا منطقی باشند، قابل پذیرش هستند، والا با تمسک به اصل قانون‌مندی اعتباری نخواهند داشت. این ابهامات و نتیجه‌گیری‌های متنوع، موجب صدور آرا وحدت رویۀ دیوان عالی کشور و نظریه‌های متعدد ادارۀ حقوقی قوه قضاییه نیز شده است. برای مثال در ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، سیاق ماده به نحوی است که چنین برداشت می‌شود رفتارهای تجاوزکارانه به‌منظور تصرف و تخریب اراضی ملی، مقدمات حصول نتیجه هستند، اما به موجب رأی وحدت رویۀ شماره ۶۸۵ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۳ رفتارهایی مثل قطع اشجار ولو به‌منظور تصرف (و یا تخریب) اراضی ملی، مشمول تعدد مادی جرائم و اعمال ماده ۴۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع و ماده

ملاحظه می‌شود قانونگذار از بین جرائم مشابه در این زمینه علیه اراضی ملی، تنها به تعلیف غیرمجاز دام (و نه همه احشام) و صرفاً در مراتع (و نه جملگی اراضی ملی) تصریح کرده است. نکته قابل تأمل این که در اختلاف حادث بین قضات در مورد واجد یا فاقد وصف کیفری داشتن تعلیف احشام در مراتع، کمیسیون مربوطه از بین نظریه‌های اقلیت و اکثریت، نظر اکثریت دال بر تعقیب مرتکب به استناد ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی را پذیرفته است. (ر.ک: مجموعه نشست‌های قضایی؛ مسائل قانون مجازات اسلامی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۷۶-۲۷۱).

۱. ر.ک: ۱. میرمحمد صادقی و اسلام، ۱۳۹۶: ۷۷-۵۳؛ ۲. موسوی، الهه، «جنگل‌خواری قانونی»، روزنامه قانون، ش ۸۳۰، ۱۳۹۵/۱۰/۹؛ ۳. موسوی، الهه، «جنگل‌خواری با تله‌کابین»، روزنامه قانون، ش ۸۳۵، ۱۳۹۵/۱۰/۱۵؛ ۴. گزارش کوه‌خواری در دلی‌بجک بویراحمد، خبرگزاری ایلنا، ۱۳۹۶/۱۱/۲۶.

۶۹۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) دانسته شده است (آقاجانلو، ۱۳۹۴: ۴۹۲). اداره حقوقی قوه قضاییه، طی نظریه شماره ۷/۱۴۸۲ مورخ ۱۳۸۴/۳/۹ در اظهارنظری هم سو با رأی مذکور ابراز داشته: «چرای دام، در صورتی که موجب تخریب منابع طبیعی شود، علاوه بر اعمال تبصره ۲ ماده ۴۷ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، متهم را در معرض اعمال ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) هم قرار می‌دهد» (سایت اداره کل حقوقی قوه قضاییه). بر همین اساس در نظریه شماره ۷/۵۵۴۸ مورخ ۱۳۸۴/۸/۸ تصریح شده: «موضوع مواد ۴۲ و ۴۳ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع غیر از موضوع ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی است؛ بنابراین ماده اخیرالذکر، مواد قبلی را نسخ نکرده و اعتبار آنها به وقت خود باقی است» (سایت اداره کل حقوقی قوه قضاییه). از این رو با حدوث هر یک از این جرائم توسط مرتکب واحد، قاعده تعدد مادی اعمال خواهد شد.^۱

در پاره‌ای موارد، ابهام در رکن قانونی به اختلاف نظر در صلاحیت‌ها منجر شده است. برای مثال تا قبل از تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۲ دادسراهای عمومی و انقلاب و اغلب محاکم عمومی جزایی و در برخی حوزه‌ها با تفسیر خاص از قانون مجازات مرتکبان قاچاق و قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، محاکم انقلاب به بزه مذکور رسیدگی و تعیین تکلیف می‌کردند.^۲ اما با تصویب قانون مذکور رویه قضایی کم‌کم به انطباق موضوع جرم مزبور با تعریف کالای مجاز مشروط (بند «ج» ماده ۱ آن قانون) منصرف شد، به نحوی که براساس رویه غالب در اکثر حوزه‌های قضایی، وفق ماده ۴۴ آن قانون، صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی برای رسیدگی و تعیین تکلیف جرم مذکور به رسمیت شناخته شده و صلاحیت دادسراها و محاکم انقلاب، محدود به موارد صدر ماده مذکور از قانون مرقوم، شده است.^۳

گاهی ابهام به تشخیص قانون ناسخ و منسوخ برمی‌گردد، چراکه مقنن در چند موقعیت قانونگذاری می‌کند و تکلیف قوانین قبل را مشخص نمی‌کند. مثلاً در مورد اینکه آیا صدر ماده ۴۷ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع به وسیله ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در خصوص آتش زدن عمدی جنگل نسخ شده است یا خیر؟ اختلاف نظر وجود دارد. صرف نظر از ابهامی که در مفهوم آتش زدن جنگل وجود دارد^۴ به لحاظ تقلیل کیفر در ماده ۶۷۵

۱. با وجود رأی وحدت رویه و نظرهای فوق‌الاشعار بعضاً محاکم حاضر به تمکین از آن نیستند. برای نمونه می‌توان به مفاد دادنامه شماره ۱۹۶ مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۵ شعبه ۱۸ دادگاه کیفری استان اصفهان اشاره کرد که اتهام تصرف و تخریب اراضی ملی را از باب تعدد معنوی تلقی و مرتکب را علاوه بر اعاده وضع به حال سابق، به تحمل شش ماه حبس تعزیری محکوم کرده است و در حالی که مضافاً مرتکب تحریق درختان تاغ جنگلی هم شده بوده، او را به‌طور مجزا به تحمل شش ماه حبس تعزیری نیز محکوم کرده است.

۲. ر.ک: دادنامه شماره ۳۶۸-۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۶/۴ شعبه ۱۴ دیوان عالی کشور (مجموعه آرای قضایی؛ شعب دیوان عالی کشور (کیفری ۱۳۹۲)، ۱۳۹۵: ۵۳۴).

۳. برای مطالعه بیشتر: ر.ک: محسنی، ۱۳۹۶.

۴. استفاده از عنوان انحصاری جنگل در ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) این سؤال را مطرح می‌کند که چرا قانونگذار، نامی از سایر اراضی ملی به میان نیاورده است؟ همین ابهام سبب شده برخی نویسندگان در تفسیری موسع، مراتع و دیگر اراضی ملی را نیز مشمول این ماده فرض کنند (ر.ک: زراعت، ۱۳۸۲: ۱۹۸). همچنین در خصوص تفسیر ماده مذکور از قانون مرقوم و

قانون اخیرالذکر و تفسیر مضیق، چاره‌ای نیست جز اینکه ماده اخیرالذکر را ناسخ ماده ۴۷ مذکور فرض کنیم.

بنا به آنچه ذکر شد معلوم می‌شود به لحاظ کمبود نقش قانونگذار در وضع جامع جرم‌انگاری تجاوزها علیه اراضی ملی، اختیار تعیین برخی مصادیق مجرمانه و نحوه برخورد با آنها به تفاسیر مختلف واگذار شده است (ر.ک: نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۹). همین مسئله سبب می‌شود تابعان حقوق کیفری از تکالیف کیفری خود به صورت کامل آگاه نشوند و گاهی مطابق سلايق متفاوت و در وضعیت جهل به این برداشتها تحت تعقیب کیفری قرار گیرند و یا تحت همین شرایط، تعقیبی صورت نگیرد.

۱.۳.۳. تعارضات

اراضی ملی از حیث ماهیت حقوقی، در زمره اموال عمومی قرار می‌گیرند که متعلق حق عامه مردم هستند و تعریف مالکیت خصوصی یا استفاده انحصاری از آنها اولاً و بالذات متصور نیست و دولت به‌عنوان نماینده حاکمیت، اداره آنها را بر عهده دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۶۸). در عین حال واگذاری و بهره‌برداری از این اراضی، ثانیاً و بالعرض، برابر ضوابط مربوطه از جمله فصل پنجم قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع بلامانع و دارای توجیه قانونی است. از آنجا که پیرامون ماهیت این اراضی و آثار مترتب بر آنها، همواره سوءبرداشت‌هایی وجود داشته، بعضاً قوانین و مقرراتی به تصویب رسیده که رکن قانونی جرائم تجاوز به آنها را تحت‌الشعاع قرار داده است. این قبیل مصوبات کم نبوده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

در ماده ۳۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، پس از تغییر و تحولات متعدد از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی از حیث مشخص کردن غایت زمانی برای تعیین تکلیف اراضی ملی تصرف‌شده از سوی اشخاص^۱، مقرر شده وزارت جهاد سازندگی وقت (و جهاد کشاورزی فعلی) به تشخیص کمیسیون مربوط، آنها را در قبال دریافت اجاره‌بها در قالب عقد اجاره واگذار یا با قیمت تعیین‌شده به فروش برساند. همچنین در تبصره ۲ ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی (مصوب ۱۳۸۹/۵/۲) تصریح شده: «با تصویب این قانون، انتقال قطعی مالکیت دولت در اراضی ملی... به متقاضیانی که از تاریخ ابلاغ این قانون به بعد شروع به تشکیل پرونده درخواست اراضی می‌نمایند، ممنوع بوده و قوانین مغایر لغو می‌گردد...». در این مصوبات و مانند آن، فروش یا انتقال قطعی اراضی ملی مجاز شمرده شده‌اند. جالب آنکه این روند ادامه پیدا کرده و به موجب بند ۲ ماده ۴۵ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور (مصوب ۱۳۹۴/۲/۱) واگذاری اراضی ملی برای احداث شهرک‌های صنعتی، کشاورزی، خدمات گردشگری و مناطق ویژه اقتصادی مصوب و طرح‌های قابل واگذاری دولتی با رعایت

ارتباط آن با ماده ۴۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، تحریق عمدی اشجار شخصی و یک یا چند درخت از شمول عنوان جنگل و ماده ۴۲ مذکور خارج دانسته شده است (ر.ک: زراعت، ۱۳۹۴، ج ۲: ۲۷۳).
۱. براساس اصلاحیه مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۸ مجلس شورای اسلامی، سال ۱۳۸۲ آخرین مهلت مقرر تعیین شده است.

مقررات زیست‌محیطی از شمول تبصره ۲ ماده ۹ قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی- که مشتمل بر منع تداوم انتقال آنها می‌باشد- مستثنا شده است؛ بنابراین انتقال قطعی اراضی ملی برای اهداف فوق نیز تأیید و استمرار آن توجیه شده است.

با این وضعیت مخاطبان حقوق کیفری در شناسایی رفتار غیرمجاز موردنظر قانونگذار در خویشتن خویش و انطباق آن با تقبیح آن رفتار، دچار سردرگمی می‌شوند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۷)؛ زیرا قانونگذار از یک طرف تجاوز به اراضی ملی را جرم‌انگاری کرده و از طرف دیگر با مصوباتی تجاوزهای صورت‌پذیرفته را در شرایطی توجیه کرده و بدین ترتیب رکن قانونی تجاوز به اراضی موصوف به‌صورت مستمر دچار تزلزل و مصلحت‌اندیشی شده است.

۲. رکن مادی

به‌طور کلی تا هنگامی که قصد باطنی و فعل و انفعالات ذهنی مرتکب، بروز خارجی پیدا نکند، جرم حادث نمی‌شود. تعیین رکن مادی اعم از فعل یا ترک فعل در قانون، تابعان حقوق کیفری، مجریان قانون و قضات را از بایدها و نبایدهای جزایی یا از مجازها و غیرمجازهای کیفری به‌طور ملموس و عملی آگاه می‌کند که از نظر آزادی‌های فردی مهم است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۹۲۴). رکن مادی می‌تواند با سه جزء تصور شود. این اجزا تحت عناوین رفتار مرتکب، موضوع جرم و نتیجه مجرمانه قابل بررسی هستند که به استناد اصل تطابق اجزای رکن مادی با رکن روانی، شناسایی جرم عمدی از غیرعمدی صورت می‌گیرد. از آنجا که جرائم علیه اراضی ملی، جرائم علیه عدالت زیست‌محیطی و عدالت اکولوژیکی محسوب می‌شوند، به استناد ماده ۲ قانون مجازات اسلامی شامل هر فعل یا ترک فعل غیرمجازی خواهند شد که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به لحاظ در معرض خطر قرار دادن بقای اجتماع و سلامت اکوسیستم، نقض قانون به‌حساب آمده و موجب تعقیب و مجازات مرتکب شوند.^۱

با مراجعه به متون قانونی در خصوص جرم‌انگاری رفتارهای موصوف و همچنین با بهره‌برداری از عمومات حقوق جزا باید دید تا چه اندازه نتایج مطالعات جرم‌شناسی در ذهن قانونگذار مؤثر واقع شده و آیا نسبت به جرائم متصوره در حوزه مذکور، حالت ویژه و منحصر به فردی پیش‌بینی کرده است؟

۲.۱. رفتار

قسمت اول رکن مادی، به‌عنوان رفتار مرتکب لقب گرفته است و مابقی اجزاء عنصر مادی نیز در ارتباط با همین جزء معنا می‌یابند و همانگونه که گفته شده، تنها جزئی که به‌صورت مادی و عینی

۱. جرم‌شناسان انتقادی به‌ویژه در جرم‌شناسی سبز، تعریف قانونی و رویکرد صرف حقوقی در تعریف جرائم مذکور را جامع و کامل نمی‌دانند و معتقدند که حتی بسیاری از اعمال مشروع نیز می‌توانند آثار جبران‌ناپذیر اکولوژیکی به‌دنبال داشته باشند (ر.ک: گرجی فرد، ۱۳۹۴: ۱۱۰).

از مرتکب سر می‌زند، رفتار اوست (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۱۸۴). به‌طور معمول رفتار در قالب فعل یا ترک فعل بروز می‌کند، هرچند شقوق دیگر آن مانند فعل ناشی از ترک فعل، داشتن یا نگهداری و حالت و وضعیت هم می‌توانند به‌عنوان تظاهر خارجی فکر مرتکب قابل تعقیب کیفری باشند. اکثر مصادیق جرائم علیه اراضی ملی در قالب فعل ارتکاب می‌یابند؛ مانند تصرف عدوانی و قاچاق درختان جنگلی؛ اما از آنجا که قانونگذار باید علاوه بر رفتار مادی مثبت، به‌دنبال کنترل ریسک ارتکاب جرم و بروز حالت خطرناک به‌ویژه برای حمایت ارزش‌های والایی چون اراضی ملی باشد، بجاست که با بهره‌گیری از ضرورت‌های دانش جرم‌شناسی از گذر جرم‌انگاری ترک فعل و هشدار به مخاطبان از وقوع جرائم آسیب‌زا که گاه تبعات و اثرات شدید و خطرناک به‌دنبال دارند، پیشگیری یا در صورت ارتکاب، مقابله متناسب کنند، نظیر این جرم‌انگاری‌ها در ماده ۴۷ و تبصره ۱ ماده ۵۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع قابل ملاحظه هستند. همانگونه که متعاقباً ذکر خواهد شد، در خصوص عمدی یا غیرعمدی بودن این تک‌نگاری‌ها ابهاماتی وجود دارد، لکن این قبیل جرم‌انگاری‌ها در مجموع بسیار محدودند و با فراوانی جرائم این حوزه تطابق ندارند.

۲.۱.۱. اوصاف و خصوصیات رفتار

هرچند ارتکاب یک رفتار شرط اصلی و استثنانپذیر تحقق همه جرائم است، اما باید توجه داشت که رفتار مجرمانه جرائم مختلف با هم متفاوت است. ارتکاب بعضی اعمال به‌روشنی وقوع جرمی را نمودار می‌سازند، درحالی‌که در بعضی دیگر، رفتار مجرمانه دارای اوصاف و خصوصیتی است که حالات مختلفی را به‌وجود می‌آورد. برای نمونه رفتارهایی چون آتش زدن یا قطع و بریدن درختان جنگلی در دسته اول قرار می‌گیرند، اما گاه در تشخیص اینکه آیا مثلاً یک رفتار مصداق تخریب اراضی ملی است یا خیر؟ شبهه حاصل می‌شود. به‌عبارت دیگر در شناسایی خصوصیات رفتار و در نتیجه نوع عمل مجرمانه تشکیک می‌شود؛ زیرا هرچند در ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی بند «ج» ماده ۱۰۴ قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۷۹ در تعریف تخریب بیان شده: «منظور هر گونه تغییر در منابع طبیعی است که تعادل طبیعت و تنوع زیستی را در معرض خطر قرار می‌دهد». ولی با این حال در تشخیص اینکه آیا بزه دفع پسماند به‌صورت غیرمجاز در اراضی ملی از جمله مصادیق تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) و آلودگی زیستی محسوب می‌شود یا یکی از جلوه‌های تخریب مندرج در ماده ۶۹۰ همان قانون، اختلاف‌نظر وجود دارد (روستایی و رحمانیان، ۱۳۹۶: ۲۷۵). این در حالی است که دیدگاه سومی می‌تواند بر این عقیده استوار باشد که قانون مدیریت پسماندها (مصوب سال ۱۳۸۳) مؤخر بر مقررات سابق‌الذکر است و باید برابر بند «د» ماده ۲ آن قانون تخریب را معادل آلودگی مندرج در ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، یعنی اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی اراضی ملی را فراهم می‌کند، دانست. بدیهی است ضرورت‌های جرم‌شناسی مدرن، وجود رکن مادی تعریف و شفاف‌سازی‌شده توسط مقنن را مانع از برداشت‌های مختلف و آثار متفاوت ناشی از آن و گاه اشتباهات قضایی می‌داند.

۲. ۱. انواع مختلف رفتار

صورت رفتار در جرائم مختلف از جمله در اراضی ملی تفاوت دارد. قدر متیقن اینکه باید در قانون جزا جرم‌انگاری شده باشد. این وجه از رکن مادی به‌خصوص در مراحل ماقبل تحقق جرائم عمدی (تهیة مقدمات اجرا و شروع به جرم) از نظر جرم‌شناسی امروزی درخور توجه است.

در مرحله تهیة مقدمات، شخص از مرحله قصد و تصمیم به‌سوی ارتکاب جرم گام برداشته و برای تحقق مقصود مجرمانه خود، مقدمات آن را فراهم می‌کند. همانگونه که در ماده ۱۲۳ قانون مجازات اسلامی ذکر شده اقداماتی که فقط مقدمه جرم هستند و ارتباط مستقیم با جرم ندارند، قابل تعقیب نیستند، اما برابر تبصره ماده ۱۲۲ همان قانون، اگر رفتار ارتكابی ارتباط مستقیم با جرم داشته باشد، لکن به جهات مادی که مرتکب از آنها بی‌اطلاع بوده، وقوع جرم غیرممکن باشد، همین مقدار اقدامات صورت پذیرفته، در حکم شروع به جرم خواهند بود. پس صرف تهیة مقدماتی مثل خریداری اره برقی از مغازه‌ای در یک شهر دارای جنگل، کاشف از نیت مجرمانه دارنده، مشعر بر قطع درختان جنگلی نیست و اغلب این عملیات کاملاً مشروع و مجاز تلقی می‌شوند، اما همین مقدار که مشارالیه داخل منطقه جنگلی، همراه با همان اره و دیگر لوازم قطع اشجار دستگیر شود ولو اینکه ابزار موصوف معیوب یا بنا به دلایلی امکان بهره‌برداری از آنها را نداشته باشد، می‌تواند موجبات تعقیب او را از باب رفتار در حکم شروع به جرم، فراهم کند. این رویکرد مقنن، زیرساختی جرم‌شناسانه دارد. در واقع قانونگذار با این شیوه جرم‌انگاری به افرادی که طرح و اندیشه ارتکاب جرم را در ذهن می‌پروراند، هشدار می‌دهد تا مرتکب رفتار مجرمانه نشوند تا از این رهگذر پیشگیری فردی از جرم حاصل شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۹۲۴). آنچه مسلم است در قوانین خاص مربوط به اراضی ملی این وجه از جرم‌انگاری مشاهده نمی‌شود، بلکه با تأسی به عمومات حقوق جزا چنین استنتاجی انجام می‌شود.

گاه بزهکار با اینکه برای تحصیل نتیجه رفتار خود جازم است، بنا به عللی که خارج از اراده اوست، در ادامه عمل متوقف می‌ماند و به مقصود نمی‌رسد. در این حال، مرتکب را به اتهام شروع به جرم تعقیب می‌کنند (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۳۱۱). در خصوص تجاوز به اراضی ملی به‌ندرت قانونگذار شروع به جرم را مورد جرم‌انگاری قرار داده و برای آن کیفر تعیین کرده است؛ مانند تبصره ۲ ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) که مجازات شروع به جرم ایجاد حریق عمدی جنگل را مستوجب شش ماه تا دو سال حبس دانسته است. موارد چنین تصریحات قانونی بسیار اندک است؛ اما در اغلب موارد شروع به جرائم تجاوز علیه اراضی ملی به استناد ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب‌اند. بدین ترتیب انحصار سابق بر اینکه تعقیب کیفری تنها محدود به مواردی که قانونگذار از باب شروع به جرم خاصی، جرم‌انگاری کرده بود، با تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، مرتفع شد. با این شیوه فرض بر آن است که بزهکاران بالقوه از عزم مقابله کیفری قانونگذار حتی در این مرحله هم آگاه شده و چه‌بسا از ارتکاب جرم منصرف شوند.

۲.۲. موضوع

منظور از موضوع در حقوق کیفری ماهوی چیزی است که رفتار مرتکب بر آن یا در آن واقع می‌شود (آقایی‌نیا، ۱۹:۱۳۹۲). موضوع جرائم مورد بحث، اراضی ملی‌اند. جرم‌شناسان دسته‌بندی‌های موضوعی متنوعی از جرائم تجاوز به اراضی ملی با محوریت رکن مادی آنها ارائه کرده‌اند. در این تقسیم‌بندی‌ها هر بار به وجهی از کیفیت تعرض بدان‌ها تکیه شده است.

۲.۱.۲. جرائم سبز اولیه و ثانویه

تقسیم‌بندی جرائم به جرائم سبز اولیه و ثانویه محصول تفکر جرم‌شناسان سبز است. بدین معنا که آنها جرائم سبز اولیه را جرائمی تعریف کرده‌اند که به صورت مستقیم علیه یکی از ارزش‌های والای شناسایی شده در حوزه محیط زیست و منابع طبیعی مانند اراضی ملی واقع می‌شوند؛ مثل تصرف عدوانی، تخریب و ... اما جرائم سبز ثانویه جرائمی هستند که به طور مستقیم علیه ارزش‌های مذکور ارتکاب نمی‌یابند، بلکه ناشی از رفتارهای غیرقانونی دیگر و جرائمی برآمده از زیرپا گذاشتن قواعد خواهان نظم‌دهی و جلوگیری از فجایع زیست‌محیطی، واقع می‌شوند؛ نظیر دفع پسماندها به صورت غیرمجاز در اراضی ملی (Potter, 2014: 9-10). در پاره‌ای مواقع، جرائم متعددی واقع می‌شوند تا هدف واقعی مرتکب که همانا دستیابی به اراضی ملی است، محقق شود. به عبارت دیگر مرتکب برای رسیدن به آرزوی نامشروع خود دست به ابداعاتی می‌زند؛ مثل جعل، استفاده از سند مجعول، کلاهبرداری و ...^۱ به نظر می‌رسد این قبیل جرائم، در دسته‌بندی فوق نگنجد؛ زیرا از یک طرف ممکن است به نتیجه دلخواه مرتکب منتهی نشوند. از سوی دیگر به طور مستقیم علیه اراضی ملی انجام نمی‌گیرند و بالاخره اینکه با تعریف جرائم سبز ثانویه هم انطباق کامل ندارند. پس نوع سومی از جرائم در این قلمرو قابل تصور هستند.^۲ این تقسیم‌بندی می‌تواند در صورت طراحی سیاست کیفری افتراقی در برابر جرائم علیه اراضی ملی برای تعریف رکن مادی دارای آثاری باشد و در آن مجال با سیمایی کاملاً متفاوت از جرائم عادی یا حداقل متفاوت از آنها خودنمایی کند.

۲.۲.۲. جرائم یقه‌سفیدی و اقتصادی

عده‌ای از نویسندگان جرائم یقه‌سفیدی و جرائم اقتصادی را مترادف یا با خمیرمایه خشونت یا مبتنی بر تزویر، همسنگ یکدیگر دانسته‌اند. (ر.ک: گسن، ۱۳۹۲: ۱۳۲). اما برخی دیگر جرم اقتصادی را

۱. برابر نظریه فشار، گاه مرتکب جرم برای وصول به هدف (حتی هدف مشروع)، به جای استفاده از ابزارهای قانونی، به ابزارهای نامشروع متوسل می‌شود. در اصطلاح به این روش «ابداع» گفته می‌شود که ناشی از عدم تطابق شخص با رعایت ارزش‌های جامعه و در نتیجه ورود فشار به او و در نهایت منجر به وقوع جرم می‌شود (ویلیامز و مک شین، ۱۳۹۵: ۳۵۴).

۲. در دادنامه شماره ۲۵۲-۸۹ مورخ ۱۳۸۹/۲/۱۹ شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان تصریح شده: «...با توجه به اینکه تصرف عدوانی پلاک ملی توسط متهم به منظور فروش آن انجام گردیده، علی هذا این اقدام مجرمانه به عنوان مقدمه بزه انتقال مال غیر تلقی می‌شود و به نظر این دادگاه مستلزم تعیین مجازات جداگانه نمی‌باشد...»

با هویت مستقلی تعریف کرده‌اند (ر.ک: مهدوی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۹). واقع مطلب این است که جرائم یقه‌سفیدی هرچند با ابتکار ساترلند^۱ و ابتدا به‌عنوان جرائم طبقه یقه‌سفیدها مطرح شدند اما کم‌کم به ماهیت جرائمی با خصوصیات مشترک و با دیگر جرائم به‌طور مشخص در حوزه اقتصاد، کسب‌وکار، تجارت و امور بازرگانی تسری یافته و التزام سابق خود مبنی بر اینکه الزاماً باید از سوی طبقه مرفه یا رده‌بالای اجتماع صورت بگیرد را از دست دادند، اما نمی‌توان از وجود امتیازات فردی یا اجتماعی اشخاص مرتکب این جرائم نسبت به سایر مجرمان و حجم و میزان بالای ضرر رفتار مجرمانه آنها نسبت به اجتماع چشم‌پوشی کرد. با این توضیح میزان قرابت جرائم یقه‌سفیدی و اقتصادی با یکدیگر مشخص می‌شود. از همین منظر جرم‌شناسان به‌ویژه در جرم‌شناسی سبز تمایل دارند جرائم ارتكابی علیه اراضی ملی را در سطح جرائم یقه‌سفیدی که علیه منافع کلان اقتصادی و اجتماعی ارتکاب می‌یابند، تعریف کنند (White, 2008: 14). بعضی از نویسندگان داخلی هم به استناد بند «ب» ماده ۱۰۹ و بند «ز» تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) بزه تصرف غیرقانونی در اراضی ملی را از جمله جرائم اقتصادی به‌شمار آورده‌اند (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۸۶). این دیدگاه محل انتقاد است؛ زیرا قانونگذار در ماده ۳۶ قانون مرقوم، ملاک ارزش یک میلیارد ریال را برای شناسایی جرائمی که در بند «ب» ماده ۱۰۹ همان قانون از آنها تحت عنوان جرائم اقتصادی یاد کرده، تعیین نموده است، درحالی‌که جرائم تجاوز علیه اراضی ملی بعضاً بنیان بقای اجتماع را مورد حمله قرار می‌دهند. با این وصف برای تحقق یک جرم شدید علیه اراضی مزبور، تکیه بر نصاب مذکور توجیه معقولی ندارد. چه‌بسا جرائمی با نصاب کمتر، آثار جبران‌ناشدنی داشته باشند. از این‌رو تعریف جرم شدید (آسیب جدی یا واقعی) نسبت به اراضی ملی از سوی قانونگذار ضروری به‌نظر می‌رسد.

۳.۲. نتیجه

جرم پس از تحقق تمام شرایطی که قانونگذار برای وقوع آن لازم دانسته، تکامل می‌یابد. به‌عبارت دیگر، در این مرحله با پشت سر نهادن مراحل ارتکاب جرم، نفس عمل مجرمانه توسط مرتکب واقع می‌شود. از منظر حقوقی رفتار مادی مجرمانه با لحاظ تأثیر نتیجه در تکمیل جرم در قالب جرم مطلق یا جرم مقید ظاهر می‌شود. جرم مطلق به جرمی اطلاق می‌شود که حصول نتیجه مجرمانه برای تحقق جرم شرط نیست و قطع‌نظر از نتیجه زیانبار احتمالی آن، کامل به‌شمار می‌آید. اما جرم مقید، جرمی است که تحقق جرم موکول به حصول نتیجه مجرمانه است، یعنی نتیجه مجرمانه، جزئی از رکن مادی جرم است و تا زمانی‌که نتیجه مجرمانه حاصل نشده، جرم کامل محسوب نمی‌شود (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۳۱۳-۳۱۲). غالب نظریه‌های جرم‌شناسی انتقادی در حوزه اراضی ملی، تمایل خود را برای اینکه جرائم تجاوزکارانه علیه زمین‌های موصوف در عداد جرائم مطلق جرم‌انگاری شوند، ابراز کرده‌اند. در واقع صرف نقض قانون را برای تحقق جرم کافی دانسته‌اند (Clifford &

1. Sutherland

Edwards, 2012: 114; White, 2008: 14)، اما ظاهراً قانونگذار ایران در این زمینه برخورد دوگانه‌ای داشته و می‌توان ادعا کرد در اکثر موارد به شناسایی جرائم مذکور، ذیل جرائم مقید متمایل بوده است. برای نمونه چرای دام در مرتع ملی، صرف‌نظر از نتیجه حاصل از چرا، جرم مطلق فرض می‌شود، حال آنکه در اغلب تجاوزها به اراضی ملی حصول نتایجی چون آلودگی، تصرف غیرمجاز، تخریب، تحریق، ایجاد مزاحمت و... برای تحقق رکن مادی جرم، لازم به‌نظر می‌رسد. حتی برخی از محاکم در تفسیر رکن مادی جرائم علیه اراضی ملی، حصول نتیجه را بسیار فراتر از تقیید مدنظر مقنن، معنا کرده‌اند؛ از جمله در دادنامه صادره از سوی یکی از محاکم تجدیدنظر^۱ رفتار مرتکبان در قطع و حمل درختان جنگلی، محدود به مشارکت در قطع درختان مزبور دانسته شده و با وجود جابه‌جایی آنها از محل قطع، از شمول ماده ۴۸ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع و صدق عنوان حمل خارج شده است.

۳. رکن روانی

برای تحقق جرم، نقض اوامر و نواهی قانونگذار به‌تنهایی کافی نیست. میان فعل مادی و حالات روانی فاعل برقراری یک نسبت ضروری است تا تظاهر نیت سوء یا خطای مجرم از آن استنتاج شود. حالات روانی فاعل یا از روی عمد است و یا دست‌کم حکایت از آن دارد که مرتکب، وقوع جرم را احتمال می‌داده است. از این‌رو، او را مرتکب جرم عمدی یا خطایی می‌خوانند (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۳۳۶). تحلیل جرم شناختی رکن روانی جرائم تجاوز علیه اراضی ملی با تکیه بر آموزه‌های جرم‌شناسی حقوقی منجر به ایضاح بیشتر این کلیت و تبیین مسائل مربوط و راهکارهای پیشنهادی می‌شود.

۳.۱. رابطه ذهنی مثبت

برخی اوقات رفتار ممنوع و مجرمانه زمانی قابل سرزنش است که از رابطه ذهنی مثبت او نسبت به آن، یعنی همان عمد یا تقصیر عمدی، برخیزد. عده‌ای معتقدند این یک اصل است و استثنا‌بردار نیست و نمی‌توان رفتاری را بدون وجود رکن روانی، جرم عمدی شناخت (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۲۸)، اما در مقابل برخی دیگر، در مورد جرائمی مانند ارتكابی علیه اراضی ملی، وقوع رکن مادی را مساوی مسئولیت عینی فرض کرده و همین میزان را برای تحقق بزه کافی می‌دانند (Pink & White, 2016:4). شاید اهمیت فراوان این قبیل جرائم، ایشان را به چنین عقیده‌ای رهنمون ساخته است، تا جایی که از این جرائم به‌عنوان جرائم با مسئولیت محض نام برده‌اند، به این معنا که تحقق آنها منوط به احراز سوءنیت نیست یا رکن روانی آنها مفروض است (Everson, 2012:172). حال آنکه ضرورت وجود رکن روانی همراه با رکن مادی در حقوق کیفری دارای توجیه جرم‌شناختی مدرن و بنیانی قوی است؛ زیرا مرتکب، سرنوشت محتوم مجرمانه ندارد و به مانند یک ابزار منفعل بین گذشته خود و جامعه جرم‌زا در نوسان نیست، بلکه اراده دارد و آگاهانه مرتکب جرم می‌شود (نجفی

۱. دادنامه شماره ۴۰-۹۱ مورخ ۱۳۹۱/۱/۱۹ شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان.

ایرندآبادی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۹۲۵). نکته قابل تأمل اینکه از نظر جرم‌شناسی حقوقی به‌جای بررسی کلاسیک قصد، (که خصیصه‌ی انتزاعی و غیرعلمی دارد) می‌توان به‌صورت علمی و با لحاظ شخصیت بزه‌کار (که امری کاملاً ملموس و از نظر جرم‌شناسی قابل ارزیابی و تشخیص است) رکن روانی جرم را مورد مذاقه قرار داد (نجفی ایرندآبادی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۹۲۵). از این جهت افق جدیدی پیش روی حقوق کیفری برای ارزیابی رکن روانی جرائم از جمله تجاوز به اراضی ملی قرار می‌گیرد. اما آیا در حقوق کیفری ایران می‌توان سخن از رسمیت پذیرش مسئولیت محض در جرائم موصوف به میان آورد؟

۳. ۱. ۱. مسئولیت محض در قلمرو حقوق کیفری اراضی ملی

برابر قواعد کلی حقوق جزای ماهوی، عمل توأم با قصد ارتکاب جرم و ذهنیت منحرف و مجرمانه قابل تعقیب کیفری است، درحالی‌که برخی از نظریه‌های افراطی جرم‌شناسی انتقادی^۱ حتی تعقیب اراده و قصد مجرمانه که هنوز با اعمال مادی جنبه ملموس پیدا نکرده‌اند را نیز مجاز شمرده‌اند. همچنین عده‌ای از نویسندگان (به شرحی که ذکر آن گذشت) یک گام جلوتر آمده و ضمن اعتقاد به لزوم بروز رکن مادی جرم و ملاحظه وضعیت واقعی عینی، برخی از مصادیق جرائم علیه اراضی ملی از جمله تصرف آنها را جرم اقتصادی محسوب کرده و معتقدند بررسی جرم‌انگاری جرائم اقتصادی در حقوق کیفری داخلی و با توجه به اهمیت و شدت این جرائم، دلالت بر آن دارد که قانونگذار در موارد متعدد، صرف قصد و نیت یا آگاهی مرتکب را برای تحقق جرم کافی و به طریق اولی با ارتکاب رکن مادی، مفروض دانسته است. شاهد این ادعا را مفاد ماده ۲۸ قانون الحاقی دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مصوب ۱۳۸۵/۳/۲۱) ذکر کرده‌اند (ر.ک: مهدوی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۷۳؛ احمدی، ۱۳۹۶: ۱۸۶). صرف‌نظر از پذیرش یا رد کردن عقیده مورد ذکر، پرواضح است که قانون موصوف باید در حدود جرائم مدنظر کنوانسیون و قانون مزبور تفسیر شود، خاصه اینکه گرایش قانونگذار داخلی و اسناد بین‌المللی بیشتر در جهت جرم‌انگاری ترک فعل به‌عنوان رکن مادی جرائم اقتصادی است (نجفی ایرندآبادی، ۸۵-۱۳۸۴: ۲۲۷۷). این تمایل، با وجه غالب قانونگذاری راجع به جرائم تجاوز علیه اراضی ملی که به‌صورت عمده به جرم‌انگاری رفتار مادی مثبت رغبت نشان داده، متفاوت است.

از طرف دیگر مسئولیت محض ساخته و پرداخته ذهن نظریه‌پردازان است، از این رو قانونگذار ایران در مورد پذیرش یا عدم پذیرش مسئولیت مذکور در جرائم ارتكابی علیه اراضی ملی همچون سایر جرائم، اعلام نظر صریح نکرده است. همان‌گونه که در تألیفات حقوقی نیز پاسخ روشن و ضابطه‌مندی در این زمینه نمی‌یابیم. برخی تحقیقات حکایت از آن دارد که مسئولیت محض کیفری در حقوق ایران به دلیل مخالفت با مبانی و حقوق فردی و اهداف حقوق کیفری و فقدان

۱. مکتب انسان‌شناسی جنایی با تکیه بر شخصیت‌سازی انسان بزه‌کار، براندیشه مجرمانه موجود در او و بر محتوم بودن به فعلیت رسیدن آن تأکید می‌کرد (آنسل، ۱۳۹۱: ۷۸). نظریه این مکتب که اساساً در زمره نظریه‌های کلاسیک جرم‌شناسی محسوب می‌شود و همچنین نظریه‌های نوینی مانند محاسبه و کنترل خطر فرد یا گروه‌های خطرناک از طریق پیشگیری و مدیریت ریسک، بر این مبنا شکل گرفته‌اند (نجفی ایرندآبادی، ۱۳۹۱: ۹۶).

نص صریح قانونی اساساً پذیرفته نشده است و آنچه در پاره‌ای از نوشته‌ها راجع به برخی جرائم (مثل صدور چک بلامحل)^۱ از حیث فرض وجود این مسئولیت، ذکر شده به همان دلایل، پذیرفتنی نیست (شاه‌چراغ، ۱۳۹۱: ۱۰۸-۱۰۱). در خصوص رکن روانی تجاوز به اراضی ملی، رویه قضایی همسو با نظر غالب مذکور قرار گرفته است. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۶۴۶۶ مورخ ۱۳۷۸/۹/۱۳ تصریح داشته: «رکن معنوی جرائم موضوع ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی، همان صحنه‌سازی است که در متن قانون به آن اشاره شده است و چنانچه متهم سابقه تصرف جنگل و مرتع ملی را نیز داشته باشد، سوءنیتش به طریق اولی محرز است» (سایت اداره کل حقوقی قوه قضاییه). مفاد دادنامه صادره از یکی از شعب دادگاه تجدیدنظر^۲ نیز مؤید همین معناست؛ آنجا که در صدور رأی برائت متهم تصریح شده: ماهیت دعاوی حقوقی مطروحه پیرامون رفع تصرف و رفع مزاحمت و ممانعت از حق در اراضی مباحوث‌عنه، موجب زوال رکن معنوی جرائم مذکور می‌شود.

۳.۲.۱. پیوند ضرورت‌های جرم‌شناختی و حقوق کیفری

پس از پذیرش لزوم احراز رکن روانی برای تحقق جرائم عمدی علیه اراضی ملی، سؤال دیگر آن است که در تقسیم‌بندی نیت مجرمانه، آیا سوءنیت عام و سوءنیت خاص هر دو ضروری است یا سوءنیت عام کفایت می‌کند؟ در پاسخ باید اذعان داشت اگر تقسیم‌بندی رکن روانی براساس تعلق آن به اجزای مختلف رکن مادی صورت گیرد، نیت مجرمانه عام از میان اجزای رکن مادی جرم به رفتار مرتکب و موضوع جرم تعلق می‌گیرد و سوءنیت خاص، تنها نتیجه مجرمانه را پوشش می‌دهد؛ هرچند منحصر در آن نیست و ممکن است اهدافی غیر از نتیجه مادی جرم را نیز در برگیرد (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۲۶۸). با توجه به این‌که سیاست کیفری ایران در برابر تجاوز به اراضی ملی از حیث پیروی از نظریه‌های جرم‌شناسی چون بازدارندگی کیفری، درمان‌گرا، پیشگیرنده، مداخله حداقلی حقوق جزا و... سرگردان است، با تلفیق موضوع جرم و شخصیت بزهدار و کیفیت رفتار ابرازی از ناحیه او می‌توان در غالب جرائم مذکور، بین ضرورت‌های جرم‌شناختی و حقوق کیفری جمع کرد؛ به این معنا که با توجه به خصایص آنها، این قبیل جرائم به حصول نتیجه مقید نگردند و در عداد جرائم مطلق قرار گیرند و احراز سوءنیت عام را کافی بدانیم. برای مثال در تجاوز به اراضی ملی در قالب ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) صرف رفتارهای مبین صحنه‌سازی به شرح مندرج در متن ماده که بدون مجوز قانونی صورت پذیرفته، اماره سوءنیت و مبنای وقوع جرم تلقی شود و همین میزان برای احراز وقوع جرم کفایت کند و نیازی به احراز سوءنیت خاص یا نتیجه رفتار نباشد. براین اساس، مطابق رأی وحدت رویه شماره مورخ ۱۳۸۴/۷/۲۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور^۳، به صرف تشخیص اراضی ملی از سوی مرجع ذیصلاح و قطعیت آن و کشف شدن مالکیت دولت، تداوم تصرف اراضی موصوف از جانب متصرف (به هر نحو که باشد ولو رفتارهای خارج از

۱. برای مطالعه بیشتر: ر.ک: میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۴۳۵.

۲. دادنامه شماره ۱۸۵۷-۸۹ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۹ شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان.

۳. ر.ک: آقاچالو، ۱۳۹۴: ۴۸۱.

عملیات مذکور در ماده ۶۹۰) اماره‌ای بر وجود رکن روانی مرتکب خواهد بود. مؤید این استدلال نظریه شماره ۷/۳۳۶۵ مورخ ۱۳۸۰/۷/۲۵ اداره حقوقی قوه قضاییه است که تصریح کرده: «... بعد از قطعی شدن تشخیص (اراضی ملی) متجاوز باید تعقیب شود» (سایت اداره کل حقوقی قوه قضاییه). بدین ترتیب شرایط و کیفیت وقوع جرم، مبین شخصیت بزهکار خواهند بود و با وجود امارات و قرائن دال بر سوءنیت عام، دفاعیاتی که مستلزم ورود برای بررسی و احراز سوءنیت خاص است، مسموع نخواهند بود.

۳. ۲. رابطه ذهنی منفی

گاه رفتار مجرمانه از رابطه ذهنی منفی فاعل نسبت به جرم که تحت عنوان تقصیر غیرعمدی از آن یاد می‌شود، منبعت می‌گردد. پاره‌ای از نتایج مطالعات دانش جرم‌شناسی بر این دیدگاه استوار است که بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی که جرائم غیرعمدی را نمایان می‌سازند، از طرفی خصیصه عمدی بودن خود عمل را آشکار می‌سازند و از طرف دیگر نشان می‌دهند که تنها نتیجه زیانبار ارتکاب عمل، خواسته مرتکب نبوده است. این بینش نظری در قالب انتقادهای جرم‌شناسی حقوقی متبلور و ماحصل آن تفکیک رفتارهای غیرعمدی ساده و تکلیفی در قانون برخی از کشورها از جمله فرانسه شده، به طوری که مجازات جرائم اخیر را تشدید کرده‌اند. (نجفی‌ابرنادادی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۲۲۵). با نگاهی به مصادیق اندک جرم‌نگاری شده در قوانین ایران در این باب مشخص می‌شود که چنین دستاوردی مورد توجه قرار نگرفته است. به طوری که مثلاً مأموران شهرداری و کشوری که در انجام وظیفه مقرر در ماده ۴۷ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مسامحه و قصور می‌کنند مستحق تعقیب اداری هستند، اما برای افراد عادی که به‌علت بی‌مبالاتی منجر به ایجاد حریق در جنگل می‌شوند به شرح منعکس در ماده ۱۴۵ آن قانون، کیفر حبس تعیین شده است.^۱ تفاوت فاحش ضمانت اجرای مذکور حکایت از عدم توجه مقنن به آموزه‌های جرم‌شناسی حقوقی دارد.

از طرف دیگر در ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی، تحقق جرائم غیرعمدی منوط به احراز تقصیر مرتکب، و مقرر شده در این جنایات، مقررات کتاب قصاص و دیات اعمال شود. به همین ترتیب علی‌رغم تقنین ماده ۲۹۵ آن قانون، نفس ترک فعل، موجب اعمال تعزیرات نخواهد شد، مگر در موارد منصوص. جرائم ارتكابی غیرعمدی علیه اراضی ملی نیز تبعاً از چنین قاعده‌ای پیروی می‌کنند و غیر از تک‌نگاری‌های محدود مانند تبصره ماده ۴۷ و تبصره ۱ ماده ۵۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، حتی در کلیات قانون جزا برای مدیریت جرائم غیرعمدی علیه اراضی موصوف، مستند قانونی یافت نمی‌شود و با توجه به استفاده مقنن از عباراتی چون جنایت، قصاص، دیات و دیگر جهات حاکم بر مواد ۱۴۵ و ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، تنها در صورت وقوع

۱. مطابق بند «ه» ماده ۱۳ قانون شکار و صید (مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶) بی‌احتیاطی یا عدم رعایت مقررات محیط زیست و یا تخلف از نظامات دولتی در ایجاد یا فراهم کردن مقدمات آتش‌سوزی در پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی و ... مستوجب حبس یا جزای نقدی و در صورت تکرار، هر دو کیفر دانسته شده است.

صدمات جسمانی به اشخاص ناشی از تقصیر، مرتکب اعم از اینکه در زمره اشخاص حقیقی یا حقوقی (مأموران و ضابطان) باشد، تحت تعقیب کیفری قرار خواهد گرفت.^۱ از این رو در حال حاضر در حقوق کیفری ایران، محمل قانونی عامی برای تعزیر کسی که مرتکب رفتار غیرعمدی مسامحه کارانه، از روی غفلت یا بی‌پروایی و به‌طور کلی تقصیر غیرعمدی (اعم از شدید یا ضعیف) علیه اراضی ملی شود، وجود ندارد و چند مورد منصوص هم بسیار محدود است و با فرض انتفای رکن قانونی، سخن از وضعیت رکن روانی بیهوده است. نتیجه چنین وضعیتی افزایش تجاوز به اراضی مزبور (در قالب تحریق، تخریب و...) ناشی از رفتارهای منبعث از تقصیر غیرعمدی اشخاص است و تجربه نشان داده است که دستگاه‌های متولی به دلایل مختلف برای جبران ضررهای وارده، از طریق طرح دعوی حقوقی در محاکم رغبت کمتری دارند.

نتیجه‌گیری

۱. مبانی حقوقی فرایند جرم‌انگاری تجاوز به اراضی ملی با آموزه‌های جرم‌شناسی حقوقی منطبق‌اند. اما نوسازی، توسعه و روزآمد کردن قوانین این حوزه، ضرورت دارد. در حقوق کیفری ایران، جرم‌انگاری‌های این عرصه در قالب قانونگذاری، از سویی اغلب به‌صورت محدود، قدیمی و پراکنده و غیرمنسجم هستند و از این رو سیاست کیفری افتراقی در این زمینه اتخاذ نگردیده و همواره سیاست کیفری در نوسان بوده و از سوی دیگر همین میزان متشتت موجود هم دارای نقایص، ابهامات و حتی تعارضات فراوان است. این وضعیت منجر به تفاسیر ناصواب، گسستگی آرا و تصمیمات قضایی شده و موجبات تجاوز روزافزون به اراضی مزبور را فراهم کرده است. بنابراین از منظر جرم‌شناسی حقوقی، اعتبار علمی و عملی تحقق اهداف مبارزه با بزهکاری در این خصوص مخدوش است. با این اوصاف، اتخاذ سیاست کیفری تقنینی افتراقی برگرفته از آموزه‌های دانش‌های نوین مربوطه و البته کارآمد جهت مقابله با جرائم مذکور با تأکید بر تکنیک‌های پیشگیرنده (پیشگیری کیفری) و مبارزه گرانه، ضروری و مورد پیشنهاد است.

۲. اجزای رکن مادی جرائم تجاوز به اراضی ملی (رفتار مرتکب، موضوع جرم و نتیجه مجرمانه) به‌طور کلی تابع قواعد عمومی حقوقی جزا هستند. بیشتر جرائم مذکور در قالب فعل ارتکاب می‌یابند و تک‌نگاری‌هایی راجع به ترک افعال وجود دارند که در عداد جرائم غیرعمدی هستند. همچنین پیرامون اوصاف و خصوصیات رفتارهای مجرمانه اختلاف نظر مشهود است. از این رو تجدیدنظر پیرامون کیفیت و کمیت جرم‌انگاری رفتارها به‌ویژه توسعه و تبیین ترک افعال و توصیف معیارهای انتخاب اعمال و شرایط حاکم بر آنها در قالب مجموعه قوانین تخصصی لازم به‌نظر می‌رسد.

۳. موضوع جرائم تجاوز علیه اراضی ملی، از طرفی منصرف به جرائم سبب اولیه و ثانویه و نوع سوومی از جرائم مقدماتی برای تحقق تعرض به آنهاست و از طرف دیگر زمینه‌های نظری محسوب

۱. برای مطالعه بیشتر: رک: میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۳۷.

کردن این قبیل جرائم را در قالب جرائم یقه‌سفیدی و اقتصادی به‌وجود آورده است. پیشنهاد دیگر ارائه تعریف قانونی از درجه‌بندی آسیب از شدید به خفیف نسبت به اراضی ملی است که در تبیین رکن مادی و در نتیجه دسته‌بندی جرائم این حوزه و آثار مترتب بر آنها از جمله تعیین مصادیق، راهگشا خواهد بود.

۴. در خصوص جزء نتیجه از اجزای رکن مادی جرائم علیه اراضی ملی، بین آموزه‌های جرم‌شناسی انتقادی با رویکرد مورد پذیرش قانونگذار و رویه قضایی منبعث از آن، اتفاق نظر وجود ندارد. در حالی که جرم‌شناسان انتقادی، صرف نقض قانون را برای وقوع جرم کافی می‌دانند، کیفیت قانونگذاری در ایران و فقدان تصریح مقنن، برداشت‌های مختلف حقوقی و قضایی را در پی داشته و در غالب موارد تمایل به شناسایی جرائم مورد نظر، ذیل جرائم مقید و ورود به عرصه بررسی نتیجه وجود دارد. این در حالی است که دیدگاه‌های کلیشه‌ای سیستم عدالت کیفری سنتی در تبیین رکن مادی نمی‌تواند مشکل‌گشای حل معمای این دسته از جرائم باشد. به همین سبب و در راستای ایجاد انسجام کنشگران این عرصه، جا دارد قانونگذار راهبرد مشخص، معقول و منطقی با توجه به ماهیت این جرائم اتخاذ کرده و از آشفتگی موجود جلوگیری کند.

۵. عده‌ای از جرم‌شناسان انتقادی، با پذیرش اصل مسئولیت محض، بر عدم لزوم احراز سوءنیت یا بر فرض عجین بودن رکن روانی با رکن مادی در جرائم مذکور اصرار ورزیده‌اند. اما عده‌ای دیگر از ایشان با تفکیک رکن روانی به سوءنیت عام و خاص و با تعدیل دیدگاه اول، برقرارگیری جرائم مورد بحث، در عداد جرائم مادی با این قید تأکید کرده‌اند که احراز سوءنیت عام بدون در نظر گرفتن جزء نتیجه (از اجزای رکن مادی) برای تحقق جرم کفایت کند. جرم‌شناسی حقوقی با انتقاد از دیدگاه جرم‌شناسی کلاسیک قصد مجرمانه، با رویکرد اخیر همسوست و احراز سوءنیت خاص را لازم نمی‌داند. پیشنهاد می‌شود به‌منظور جلوگیری از افراط و تفریط و تعریف حد استاندارد با لحاظ خصایص این قبیل جرائم و اهمیت آنها در نقض عمده بنیان‌های حقوق بشری، مطلق‌گرایی با تقیدات و مؤلفه‌های رویکرد اخیرالذکر به‌صراحت از سوی قانونگذار به رسمیت شناخته شود.

۶. با التفات به اینکه جرائم تجاوز علیه اراضی ملی به‌طور کلی از جمله جرائم معد اعمال تعزیر هستند، نفس ترک فعل موجب واکنش عام قانونگذار نبوده است. به‌عبارت دیگر تقصیر غیرعمدی تنها در موارد انگشت‌شمار منصوص، عکس‌العمل خاص مقنن را به دنبال داشته است. حال آنکه آموزه‌های جرم‌شناسی حقوقی اقتضا دارد انواع تقصیرهای غیرعمدی تجاوز به اراضی مذکور، جرم‌انگاری شوند. در حال حاضر در موارد اندک جرم‌انگاری شده، تفکیک عالمانه و آگاهانه‌ای بین ارتکاب رفتارهای غیرعمدی ساده و تکلیفی وجود ندارد. بنابراین توسعه قلمروی جرم‌انگاری‌ها از این حیث و ایجاد تمایز هوشمندانه و هدفمند با توجه به شخصیت و مسئولیت مرتکبان جرائم موصوف در راستای ابعاد دیگر کیفی سازی قوانین، مورد انتظار است.

منابع

الف) فارسی

۱. آقائی‌نیا، حسین (۱۳۹۲). جرائم علیه اشخاص (جنایات)، چ یازدهم، تهران: میزان.
۲. آقاجانلو، اسماعیل (۱۳۹۴). مجموعه قوانین و مقررات منابع طبیعی، چ پنجم، تهران: مجد.
۳. آنسل، مارک (۱۳۹۱). دفاع اجتماعی، ترجمه نجفی ابرنآبادی، علی حسین و آشوری، محمد، چ چهارم، تهران: گنج دانش.
۴. احمدی، احمد (۱۳۹۶). «تصرف غیرقانونی در اراضی ملی و عمومی»، دانشنامه علوم اقتصادی، چ اول، تهران: میزان.
۵. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی، چ چهل و چهارم، تهران: میزان.
۶. خبرگزاری ایلنا، ۱۳۹۶/۱۲/۲۳، www.ilna.ir.
۷. خبرگزاری رکن، ۱۳۹۶/۱۱/۱۸، www.rokna.net.
۸. روستایی، مهرانگیز؛ رحمانیان، حامد (۱۳۹۶). «جرم‌های زیست‌محیطی»، دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، چ اول، تهران: میزان، ص ۲۷۶-۲۷۲.
۹. زارعت، عباس (۱۳۸۲). شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات ۳)، چ اول، تهران: ققنوس.
۱۰. ----- (۱۳۹۴). شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، ج ۲، چ دوم، تهران: ققنوس.
۱۱. سایت اداره کل حقوقی قوه قضاییه، www.edarehoquqy.ir.
۱۲. شاه‌چراغ، حمید (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی مسئولیت محض کیفری در حقوق ایران با نگرشی بر نظام حقوقی کامن‌لا»، مجله حقوقی دادگستری، تهران، ش ۷۸، تابستان، ص ۱۱۴-۷۷.
۱۳. فهیمی، عزیزالله؛ مشهدی، علی (۱۳۹۳). اندیشه‌های حقوق محیط زیست، چ اول، قم: انتشارات دانشگاه قم.
۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ اموال و مالکیت، چ بیست و دوم، تهران: میزان.
۱۵. گرجی‌فرد، حمیدرضا (۱۳۹۵). جرم‌شناسی سبز، چ اول، تهران: میزان.
۱۶. گسن، رمون (۱۳۹۲). جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی، ترجمه ابراهیمی، شهرام، چ دوم: تهران: میزان.
۱۷. مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری کاربردی (۱۳۹۶). ج ۲ و ۵، چ سوم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
۱۸. مجموعه نشست‌های قضایی (۱۳۸۲). مسائل قانون مجازات اسلامی، ج ۳، چ دوم، قم: معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه.
۱۹. مجموعه نشست‌های قضایی (۱۳۸۲). مسائل قانون مجازات اسلامی، ج ۴، چ اول، قم: معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه.
۲۰. مجموعه آرای قضایی؛ شعب دیوان عالی کشور (کیفری ۱۳۹۲) (۱۳۹۴). چ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
۲۱. مجموعه آرای قضایی؛ شعب دیوان عالی کشور (کیفری ۱۳۹۲) (۱۳۹۵). چ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
۲۲. محسنی، حسن (۱۳۹۶). «عدالت زیست‌محیطی و قاچاق چوب، هیزم و زغال جنگلی»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تهران، ش ۱، بهار و تابستان، ص ۱۰۹-۸۵.
۲۳. محمدخانی، عباس، ۱۳۹۵، رکن روانی جرم، ج ۱، چ اول، تهران: میزان.
۲۴. موسوی، الهه، جنگل‌خواری قانونی، ۱۳۹۵/۱۰/۹، روزنامه قانون، ش ۸۳۰.
۲۵. -----، جنگل‌خواری یا تله‌کابین، ۱۳۹۵/۱۰/۱۵، روزنامه قانون، ش ۸۳۵.
۲۶. مهدوی‌پور، اعظم (۱۳۹۰). سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، چ اول، تهران: میزان.
۲۷. میرمحمدصادقی، حسین؛ رجبعلی، اسلام (۱۳۹۶). «تحلیل جرم زمین‌خواری از منظر حقوق کیفری ایران»، مجله حقوقی دادگستری، تهران، ش ۹۷، بهار ص ۷۷-۵۳.
۲۸. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۲). جرائم علیه اشخاص، چ یازدهم، تهران: میزان.
۲۹. ----- (۱۳۹۲). جرائم علیه اموال و مالکیت، چ سی و پنجم، تهران: میزان.
۳۰. نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۹۵). جرم‌شناسی حقوقی (درآمدی بر جرم‌شناسی حقوق کیفری عمومی)، دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، چ دوم، تهران: میزان، ص ۹۴۵-۹۱۴.
۳۱. ----- (۱۳۹۲). درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها، بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری، چ اول، تهران: میزان.
۳۲. ----- (۱۳۹۱). تقریرات درس جرم‌شناسی حقوقی (جرم‌شناسی حقوق کیفری عمومی و آیین دادرسی کیفری)، تهیه و تنظیم: رضوانی، سودابه و آقامیرسلیم، مرضیه سادات، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، قابل دسترسی در Lawtest.ir

۳۳. ----- (۸۵-۱۳۸۴). *تقریرات درس جرم‌شناسی (درآمدی بر جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی و حقوق کیفری اقتصادی)*. تهیه و تنظیم: جعفری، مجتبی، ابریشمی، انتصار، سلامی، زهرا. دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال نخست، قابل دسترسی در Lawtest.ir
۳۴. ویلیامز، فرانک پی؛ مک شین، ماری لین دی (۱۳۹۵). *نظریه‌های جرم‌شناسی*. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، چ ششم، تهران: میزان.

(ب) خارجی

35. Clifford, Mary and Edwards, Terry D, (2012). *Environmental Crime*, Second Edition, U.S.A, Published by Jones and Bartlette Learning
36. Everson, Margaret. E, (2012). *A Review of Federal Environmental Legislation and the Federal Environmental Regulatory Structure U.S.A*, in the Book: *Environmental Crime*, Second Edition, U.S.A, Published by Jones and Bartlette Learning
37. Pink, Grand and White, Rob, (2016). *Collaboration Combating Environmental Crime, Making in Matter*, in the Book: *Environmental Crime and Collaboration State International*, Frist Published, U.K, Palgrave Macmillan
38. Potter, Gary, (2014). *The Criminogenic Effects of Environmental Harm: Bringing a Green Perspective to Mainstream Criminology*, in the Book: *Environmental Crime and its Victims*, Edited by: Spapens, Toine, White, Rob and Kluin, Marieke, First Edition, Ashgate Publishing Company
39. Robinson, Daniel F, (2010). *Confronting Biopiracy, Challenges and International Debates*, Frist Published, London-Washington DC, Earth Scan
40. Vercher Noguera, Antonio, (2002). *Some Reflection on the Use of Criminal Law for the Protection of the Environment, Environmental Liability, Law Practice and Policy*, Volume 10, Issue 3, England, Law Text Publishing Limited
41. Wyatt, Tanya, (2015). *Mapping the Links Between Conflict and Illegal Logging*, in the book: *Environmental Crime and Social Conflict*, Edited by: Brisman, Avi, South, Nigel and White, Rob, First Published, U.S.A, Published by Ashgate Publishing Company
42. White, Rob (2008). *Crime against Nature, Environmental Criminology and Ecological Justice*, First Published, England, Wilan Publishing